



مشاهدات ۳ ساعته از اتاق فال و طالع بینی و یک دعای هفت خط

جوانی در جست وجوی پر مرغ سیاه

نازلی حیدرزاده

خانه به خانه می گردد، در آن ها را می زند و سراغ مرغ سیاه را می گیرد، فقط یک پر کافی است تا او را از این مخمصه نجات دهد و روزهای روشن پیش رویش باز شود اما در این روستا هم خبری نیست و گویا تمام مرغ های سیاه به آسمان پرواز کرده و بازنگشته اند.

زانیوی غم بغل می گیرد و دوباره راهی حاشیه شهر می شود تا پیرمرد یک بار دیگر برایش نسخه بپیچد. او در گوشه اتاق نمورش کز کرده است و از لای در به مراجعه کنندگانی که در هوای سرد در ایوان خانه نشسته اند، نگاه می کند. چشم اش به پسر جوان که می افتد او را فرامی خواند و می گوید: «باز هم تو آمدی؟!»

پسر، سرش را پایین می اندازد با کشیدن آهی از ناموفق بودن کارش خبر و ادامه می دهد: این بار آمده ام از شما بخواهم نسخه دیگری برایم بنویسید. هر جا را گشتم پر مرغ سیاه پیدا نکردم. دیگر تحمل ندارم و می خواهم هر چه زودتر از این وضعیت خلاص شوم. اگر دیرتر بچنیم او را شوهر

می دهند.

اما مرغ پیرمرد یک پا دارد و می گوید اگر دستورات او را مو به مو انجام ندهد به نتیجه نخواهد رسید. غم از دست دادن عشق از یک سو و مبلغ بالایی که به پیرمرد داده است از سوی دیگر خلق اش را تنگ کرده است، این بار راهی روستای دیگری می شود تا بتواند پر سیاهی را که برایش حیاتی است پیدا و آن را با کمی نمک، موی گربه و یک تکه کوچک چوب در قبرستان دفن کند.

■ **چهره های مستاصل**

سر دردم را بهانه می کنم و نزد پیرمرد اخمو می روم. اول باید ۱۰۰ هزار تومان به پسرش که در سالن نشسته است، بدهم و نوبت بگیرم. دادن شماره تماس مرحله بعدی و انتظار که ممکن است به دلیل شلوغی، ساعت ها طول بکشد.

بوی چربی سوخته با خاک نم زده در هم آمیخته شده و هوای ابری و سرد زمستانی و چهره های مستاصل مراجعه کنندگان، فضای سنگینی را ایجاد کرده است؛ احساس فحقی می کنم.

بانویی نوزادش را در آغوش کشیده است و بغض اش را فرو می خورد، استرس دارد در مدتی که

این جا نشسته فرزندش تشنج کند. او را بیشتر درون پتو می پیچد و فقط روزنه کوچکی را برای تنفس اش باز می گذارد چون هوای ایوان به شدت سرد است.

سرانجام نوبت او و وارد سالن می شود، بقیه مبلغ را پرداخت می کند و دوباره به ایوان می آید و به آلونکی که پیرمرد در آن جا نشسته است وارد می شود.

به حرف های این زن جوان فکر می کنم؛ پزیشان علاج درد نوزادش را نیافته بودند و آزمایش ها و داروهای مختلف نتوانسته بود جلوی تشنج او را بگیرد و حالا در این بیغوله در پی شفای اوست؟ چطور یک پیرمرد بی سواد می تواند به جای پزشک نسخه بدهد؟

■ **کار و کاسبی داغ**

زن و شوهری که لِهجه خاصی دارند از گردراه می رسند، گویا پسران پسران این جا را یافته اند و از این موضوع خوشحالند اما چون نوبت ها پر شده است باید ۲ روز دیگر بایانند. این موضوع نشان می دهد کار و کاسبی در این مکان حساسی داغ است.بانویی که متوجه کنجکاوِی من شده است،

آهسته می گوید: به اصرار همسرم برای سومین بار است که به این جا مراجعه می کنم. ۱۰ سال از زندگی مشترک مان می گذرد اما هنوز بچه دار نشده ایم.

او ادامه می دهد: دفعه اول که آمدم پیرمرد گفت یکی از اقوام که به زندگی من حسادت می کند، در خانه ما دعایی گذاشته و باعث ناباروری من شده است ولی ما در این شهر غریب هستیم و با کسی رفت و آمد نمی کنیم.

چطور یکی از اقوام به منزل ما آمده و جادو کرده است؟!

او با این وجود باز هم آمده و البته به گفته خودش هزینه ورود به خانه پیرمرد را قرض کرده است.

باران روی سقف شیروانی خانه محکم می کوبد، صدای خاصی را ایجاد کرده است و صدای مهمم پیرمرد از درون اتاق به گوش می رسد که با عصبانیت می گوید: «باید این کاغذ را در آب خیس کنی و هر وعده ۱۰ قاشق به خورد بچه ات بدهی وگرنه دیگر این جا نیا و مزاحم من نشو، بنادر بچه ات از بین بره!»

مادر جوان با چشمان اشکبار از اتاق بیرون می

آید و در حالی که نوزاد را زیر بغل اش زده است، زمزمه می کند: بیماری اش کم نیست که با دادن این چیزها، اسهال هم بشود. زیر شرشر باران از حیاط خانه بیرون می رود و به جای او چتر سیاهی که زیرش پیرزن خمیده ای است، وارد می شود.

■ **ارواح خبیث**

حالا نوبت من است که این به اصطلاح جادوگر شهر را از نزدیک ببینم، گویا به من حس خوبی ندارد و با بی حوصلگی نگاهم می کند. او مطمئن است ارواح خبیث در خانه ما رفت و آمد می کنند و باعث سردردهای مزمن من شده اند، البته یک میخ هم به درخت جلوی در منزل مان کوبیده اند تا هر روز سردردهایم بیشتر شود و اگر زود آن را پیدا و از درخت جدا نکنم تا مرز جنون پیش خواهم رفت. خنده ام می گیرد، کوچه ما اصلا درختی ندارد که به آن میخ زده باشند!

همان طور که با من صحبت می کند، ریسمان تابیده شده ای را گره می زند و وقتی تعداد آن ها ۲۰ تا می شود، می گوید: هر روز یکی از این گره ها را روی آب در حال جوش باز کن، این کار موجب می شود هر روز یکی از این ارواح خبیث از خانه ات فرار کنند. او البته دست نوشته ای را هم می دهد که باید آن را در یک بطری آب حل کنم و به مدت یک ماه از آن بنوشم یعنی باید نهایت صرفه جویی را داشته باشم و اگر تا یک ماه دیگر سردردهایم بهتر نشد باید دوباره نزدش بایام دوره درمان دیگری را شروع کنم.

دست نوشته ای که روی کاغذ زرد و کثیفی حک شده است می گیرم و پیرمردی را که پاهای تحقیفاش را روی تشک دراز کرده است، ترک می

۶۶

این بار آمده ام از شما بخواهم نسخه دیگری برایم بنویسید. هر جا را گشتم پر مرغ سیاه پیدا نکردم. دیگر تحمل ندارم و می خواهم هر چه زودتر از این وضعیت خلاص شوم

کنم.پیرزن که تازه جا به جا شده و نطق اش گُل کرده است آذرسی را به دختر دانشجویی می دهد که با دوستش آمده اند و می خواهند بخت شان باز شود. پیرزن معتقد است هر یک از این افراد که به آن ها دعانویسی می گویند برای کاری ساخته شده اند، یکی جای دزدی ها را نشان می دهد، دیگری برای درمان بیماری ها و بعضی ها هم کارشان در بخت گشایی خوب است.

■ **مبالغ بالای ورودی**

۲ دختر دانشجو در حال حساب و کتاب کردن هستند تا ببینند آیا می توانند هزینه هر ۲ را پرداخت کنند یا نه؟ اما پیرزن اصرار دارد که آن ها اشتباه آمده اند و فقط پول شان را دور می ریزند.

آدرس را از پیرزن می گیرم، با کمال تعجب این بار مکان در یکی از محله های معروف شهر است. آن جا هم داستان همین گونه است، تعداد مراجعه کنندگان زیاد و البته مبلغ ورودی بالاست. باسواد یا بی سواد، پولدار یا بی پول، بومی یا غیر بومی، همه نوع مراجعه کننده دیده می شوند که به امید حل مشکل شان به این مکان مراجعه کرده اند. برخی با آب و تاب از مشکل خود حرف می زنند و بعضی ترجیح می دهند هر چه دارند در صندوقچه دل شان حفظ کنند.

کلید را روی قفل در می چرخانم و به این گفته پیرمرد فکر می کنم که ارواح خبیث در خانه رفت و آمد دارند و شاید هنوز هم آن جا باشند و

لبخندی می زنم.

همان طور که وارد خانه می شوم به پسر جوان فکر می کنم که آیا سرانجام می تواند پر مرغ سیاه را پیدا کند و به عشق اش برسد یا نه؟!

گفت و گو

ریشه خرافه پرستی

شیاطین بر او غلبه کرده است و جمجمه اش را سوراخ می کردند تا ارواح پلید مغزش را ترک کنند. بعد که علم و رسانانس آمد نشان داد متابولیسم ها با جابه جایی باعث بروز این بیماری شده است و بیمار باید دارو مصرف کند تا درمان شود. او با بیان این که چیزی که رسال ها و دعانویسان می دهند دعا نیست، اضافه کرد: دعا کردن برای بهداشت روانی خیلی خوب است اما به شرط این که خود فرد دعا کند نه این که فردی، چیزی را روی کاغذ بنویسد و بیمار آن را در آب خیس کند و بخورد. او خاطر نشان کرد: چیزی که می تواند تفکر خرافه نویسی را تغییر دهد، دوری از جهالت است و علم، روشنایی و آگاهی می تواند افراد را از این تفکر دور کند.

حیدرزاده- گرایش مردم به خرافه پرستی و رمالان در تفکر قرون وسطایی ریشه دارد و دوری از جهالت می تواند افراد را از این مسیر دور کند. یک دکترای روان شناسی با بیان این مطلب در گفت و گو با خبرنگار ما افزود: خرافه ها کمی هیجانات افراد را تقویت می کنند و از طرف دیگر سینه به سینه نقل و با هیجانات افراد اطراف ما تقویت شده اند. دکتر «جلایی» گفت: قرون وسطی حدود ۱۰ قرن بر جهان حکم فرما بود اما در آن دوران در ایران دانشمندان بزرگی مثل ابن سینا را داشتیم که کتاب هایش در دنیا تدریس می شد اما در تفکر قرون وسطایی، علم جایی نداشت و خرافه جای آن را گرفته بود، مثلا درباره بیمار روانی فکر می کردند

آگهی نوبتی سه ماهه سوم سال ۱۳۹۸ حوزه ثبتی جاجرم

نظر به دستور ماده ۱۲ قانون ثبت و ماده ۵۹ آیین نامه مذکور اشخاصی که در سال ۱۳۹۸ نسبت به املاک خود درخواست ثبت نموده اند جهت اطلاع به شرح ذیل آگهی می گردد:
بخش ۷ بجنورد پلاک ۶۰- اصلی موسوم به جاجرم ۲۰۴۱
فرعی مفروز از ۷۴۲ فرعی ملکی آقای علیرضا حسین نیا- ششدانگ یک باب منزل لذا به دستور ماده ۱۶ و ۱۷ قانون ثبت هر کس به ملک آگهی شده در بالا معترض می باشد و یا این که بین متقاضی ثبت و دیگری دعوی شده و در جریان است می بایستی اعتراض و یا گواهی مشعر بر جریان دعوی خود را از تاریخ انتشار نوبت اول این آگهی ظرف مدت ۹۰ روز به اداره ثبت اسناد و املاک جاجرم تسلیم و رسید دریافت نموده و در اجرای تبصره ۲ ماده واحده قانون تعیین تکلیف پرونده های معترضان ثبتی از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت ظرف مدت یک ماه دادخواست اعتراض خود را به مراجع ذیصلاح قضایی تقدیم و گواهی لازم از مراجع مذکور اخذ و به این اداره تسلیم نمایند. ضمناً حقوق ارتقایی در موقع تعیین حدود و در صورتجلسه تعیین حدود منظور می گردد و از تاریخ صورتمجلس تجدیدی تا ۳۰ روز قابل اعتراض خواهد بود.

تاریخ انتشار نوبت اول:۱۳۹۸/۱۱/۱ تاریخ انتشار نوبت دوم:۱۳۹۸/۱۲/۱

اردلان محمدی کوشکی- رئیس اداره ثبت اسناد و املاک جاجرم

۹۸۱۲۹۵۰۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۴ قانون و ماده ۱۴ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۹۷-۶۹۴ مورخ ۹۷/۰۶/۰۷ هیات به شماره کلاسه ۹۷-۷۰ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستتر فر واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات بلاعارض متقاضی آقای محمدی احمدی فرزند غریب رضا بشماره شناسنامه ۹۷۰۱۴۴۴-۶۷ در یک باب مغازه به مساحت ۲۲/۲۰ مترمربع از پلاک باقی مانده ۷۱۴ فرعی از ۱۶۴ اصلی واقع در اراضی حصار شیرعلی خریداری از مالک رسمی آقای حبیب بصیرت محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که انقضای نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۳۹۸/۱۱/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶
احمد اصغری شیروان- رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ بجنورد
م ۹۸۱۲۹۵۰۰

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان شمالی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
آگهی موضوع ماده ۴ قانون و ماده ۱۴ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی
برابر رای شماره ۹۷-۶۹۴ مورخ ۹۷/۰۶/۰۷ هیات به شماره کلاسه ۹۷-۷۱ موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستتر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو بجنورد تصرفات مالکانه بلاعارض متقاضی آقای مجید یزدانی فرزند حسن بشماره شناسنامه ۳۶۵۵ در یک باب مغازه به مساحت ۱۵/۶۰ متر مربع از پلاک باقی مانده ۷۱۴ فرعی از ۱۶۴ اصلی واقع در اراضی حصار شیرعلی بخشی دو بجنورد خریداری از مالک رسمی آقای حبیب بصیرت محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که انقضای نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
تاریخ انتشار نوبت اول:۱۳۹۸/۱۱/۰۱
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۳۹۸/۱۱/۱۶
احمد اصغری شیروان- رئیس ثبت اسناد و املاک ناحیه ۲ بجنورد
م ۹۸۱۲۹۵۰۰

دعوتنامه تشکیل مجمع عمومی عادی (نوبت اول)

جلسه مجمع عمومی عادی شرکت تعاونی مسکن مهر یک بجنورد به شماره ثبت ۲۶۰۸ و شناسه ملی تعاونی ۰۳۲۹۳۵۷-۱۰۸۶۰۱۰ در روز پنجشنبه مورخ ۹۸/۱۱/۱۰ رأس ساعت ۱۴:۰۰ در محل مسجد امام رضا (ع) گلستان شهر به آدرس گلستان شهرک برگزار می گردد. از کلیه داوطلبان اعضای شرکت تعاونی دعوت می شود جهت اتخاذ تصمیم نسبت به موضوعات ذیل با در دست داشتن ورقه سهم، کارت و یا دفترچه عضویت رأس ساعت و موعد مقرر در محل مذکور حضور به هم رسانند و یا وکیل/ نماینده خود را کتباً جهت حضور معرفی نمایند. {ضمناً به اطلاع می رساند که به موجب ماده ۱۹ آئین نامه نحوه تشکیل مجامع عمومی؛ تعداد آراء و کالتی هر عضو حداکثر سه رأی و هر شخص غیرعضو تنها یک رأی خواهد بود و اعضای متقاضی اعطای نمایندگی می بایست به همراه نماینده خود از تاریخ ۹۸/۱۱/۱ لغایت تاریخ ۹۸/۱۱/۷ در محل دفتر شرکت (نگهبانی قدیم) حاضر تا پس از احراز هویت و تأیید وکالت، برگه ورود به مجمع را دریافت دارند}
دستور جلسه: ۱- گزارش هیأت تصفیه ۲- اخراج اعضاء ۳- تعیین و تکلیف اعضای بدهکار ۴- تعیین آورده جدید اعضاء **تاریخ انتشار: ۹۸/۱۱/۱**

هیأت مدیره

۹۸۱۲۰۲۳۳

۹۸۱۳۳۰۰۰